

الغاء بردگی مزدی یا سازماندهی استثمار کارگران؟



صدای انترناسیونالیستی

E-mail: contact@internationalistvoice.org

Homepage: www.internationalistvoice.org

تلگرام: <https://t.me/intvoice>

"حرف بر سر این نیست که این یا آن پرولتاریا، یا حتی کل پرولتاریا در حال حاضر چه چیزی را به مثابه هدف خود تلقی میکند. مسئله بر سر این است پرولتاریا چیست، و بر وفق این هستی، از لحاظ تاریخی مجبور به انجام چه کاری است." [۱]

اخیرا دستگاه قضایی بورژوازی و اگذاری مالکیت شرکت هفت تپه به بخش خصوصی را باطل اعلام کرد و قرار است مالکیت شرکت مجدداً به مالکیت دولتی بازگردد. تریبون های تبلیغاتی راست و چپ سرمایه، دولتی و غیر دولتی گوی سبقت را در رقابت از هم ربودند تا خبر این پیروزی بزرگ را سر تپتر خود قرار دهند. خبرگزاری فارس از قاطعیت دستگاه قضایی خبر داد، دنیای اقتصاد از بازگشت نیشکر هفت تپه به بیت المال خبر داد، روزنامه جوان از بازگشت شیرین هفت تپه سخن راند. بنگاه های تبلیغاتی امپریالیستی بی بی سی، رادیو فردا، صدای آمریکا و... این پیروزی چشمگیر را گزارش دادند. از تروتسکیست ها تا استالینیست ها، از سندیکالیست ها تا حکمتیست ها، از... همگی بر این پیروزی درخشان و تاریخی تاکید کردند. حتی کسانی که قبلاً مخالف و اگذاری شرکت به شکل سهام به کارگران بودند و اعتقاد داشتند دولت باید شرکت را بدون دریافت مبلغی به کارگران واگذار کند، عوامفریبی های دیروز شان را فراموش کردند و اعلام کردند هفت تپه دانه های امید را در دل طبقه کارگر کاشت و راه را نشان داد [۲]. در فضای سیاسی، در فضای مجازی همگی سعی میکنند تریکات خود را برای ثبت در تاریخ نثار کارگران هفت تپه کنند، مبادا از قافله عقب بمانند [۳]. سوال اساسی که مطرح میشود این است آیا تغییر حقوقی مالکیت یک شرکت یا کارخانه پیروزی تاریخی برای طبقه کارگر است؟

آیا شکل حقوقی مالکیت یک شرکت یا کارخانه، خصوصی یا دولتی فرقی در استثمار کارگران دارد؟ آیا اصولاً مالکیت خصوصی یا دولتی فرقی در شرایط زندگی کارگران دارد؟ آیا حالا که قرار است شرکت را دولتی کنند، آیا امنیت شغلی کارگران تامین خواهد شد؟ آیا معلمان که کارفرمایان دولتی است، امنیتی شغلی دارند؟ اگر مالکیت دولتی امنیت شغلی به دنبال دارد چرا در ماه های اخیر شاهد اعتراضات معلمان برای امنیت شغلی و بهبود وضعیت معیشتی خود در اکثر شهرها بودیم؟ مگر خود دولت ورشکسته نیست؟ تضمین امنیت شغلی در صورت مالکیت دولتی توهمی بیش نیست. تغییر شکل حقوقی مالکیت تاثیری در شرایط زندگی کارگران و امنیت شغلی ندارد بلکه این مبارزه طبقه کارگر است که میتواند امنیت شغلی و شرایط معیشتی بهتری برای کارگران به همراه داشته باشد.

برخلاف توهم پراکنی های چپ سرمایه، بحران موسسات اقتصادی و یا رکود کارخانه ها نه ناشی از «مدیریتی نالایق و فاسد» بلکه ریشه در نظام وارونه سرمایه داری دارد که هدف آن فقط سود است. خود سرمایه نیز در راستای انباشت بهتر سرمایه خواهان مدیریت خوب و لایق موسسات اقتصادی است. نکته حائز اهمیت این است که ورشکستگی صنایع مختص سرمایه پیرامونی نیست بلکه ناشی از بحران سرمایه داری است. ورشکستگی کارخانجات و شرکتها را میتوان در سرمایه

متروپل، در کشورهای اروپائی و آمریکای شمالی نیز مشاهده کرد. اگر چه مرکز و کانون بحران اقتصادی سال ۲۰۰۸ آمریکا بود اما امواج بحران اقتصادی حتی در ژاپن نیز قابل مشاهده بود. در نتیجه بحران اقتصادی صادرات خودرو سازی ژاپن بیش از ۶۰ درصد کاهش یافت، یعنی هزاران نفر در یکی از قطب های صنعتی جهان بیکار شدند.

تمامی گرایشات چپ، هم صدا اعلام کردند این پیروزی موقعیت کارگران را تحکیم کرد تا کارگران در گامهای بعدی با اعمال نظارت کارگری به همه امور و اداره شرکت هفت تپه بپردازند. همگی اعلام کردند کارگران شرکت هفت تپه راه را نشان دادند. همگی گرایشات چپ کارگران را ترغیب میکنند با فداکاری کارخانجات و موسسات ورشکسته را بازسازی کنند، استثمار خودشان را سازماندهی کنند و روند انباشت سرمایه را تضمین کنند. تمام فداکاریها و جانفشانیهای کارگران برای سرمایه نیز، دفاع جمعی کارگران از موقعیت شغلی و مقابله با سناریوی بیکاری و فلاکت اقتصادی توصیف می شوند. آیا بهتر از این میتوان اهداف سرمایه را پیش برد؟

ما قبلا طی مقالاتی «مدیریت کارگری یعنی سازماندهی استثمار کارگران» [۴] و «تسخیر کارخانه یا تسخیر قدرت سیاسی؟» [۵] بوضوح نشان دادیم زمانیکه سرمایه داری نظام حاکم است و قدرت دوگانه در جامعه حاکم نیست کنترل کارگری، مدیریت کارگری تنها در راستای توهم پراکنی، ایجاد سردرگمی در مبارزه ضد سرمایه داری، مخدوش کردن مبارزه طبقاتی و بخشی از طبقه کارگر را همدست بورژوازی ساختن است. کارگر اگر کارفرما شود، هر چند کارفرمای جمعی، دیگر کارگر نیست، دیگر هویت طبقاتی برای او مفهومی ندارد. دیگر تلاش برای انجام وظیفه تاریخی، یعنی به زیر کشیدن سرمایه داری برای او مفهومی ندارد. به باور ما مدیریت کارگری یا کنترل کارگری سوای از اینکه چه شکلی یا فرمی بخود بگیرد چیزی نیست جز توهم پراکنی و گیج سازی برای کارگران در راه رسیدن به هویت طبقاتی خود. تمامی ژست ها برای اعمال نظارت کارگری و اداره امور توسط کارگران از سوی چپ تنها برای این است تا مبارزه طبقه کارگر را از مسیر اصلی مبارزه طبقاتی منحرف کرده و در مسیر سترون قرار دهند. در مقابل عوامفریبی های چپ برای منزوی کردن کارگران در یک شرکت یا کارخانه، تاکید بر مبارزه مستقل پرولتاری، گسترش همکاری و ارتباطات با دیگر صنایع و بخش ها، موضوع هویت طبقاتی کارگران را مطرح خواهد کرد که در روند خود، طبقه کارگر را از یک طبقه در خود، به یک طبقه برای خود تبدیل خواهد بود.

تنها زمانی که قدرت سیاسی در دست طبقه کارگر است کنترل کارخانه میتواند حرکتی انقلابی و در راستای سوسیالیسم باشد، زمانیکه سرمایه داری حاکم است، کنترل کارخانه و بدست گرفتن امور داخلی کارخانه در راستای حفظ نظام سرمایه داری و بردگی مزدی است. کارگران مشغول بازسازی اقتصادی سرمایه داری میشوند، در حالیکه وظیفه اساسی کارگران نابودی روابط تولیدی سرمایه داری و برقراری دیکتاتوری پرولتاریا در سطح جهانی است. حقیقت انکار ناپذیر این است

که پرولتاریا تنها در سطح جهانی قادر به مدیریت تولید است و آن هم نه در درون روابط تولیدی سرمایه داری بلکه بعد از در هم شکستن روابط تولیدی سرمایه داری. به جای سازماندهی سرمایه داری در بحران برای تداوم تولید ارزش اضافه باید سازماندهی به زیر کشیدن سرمایه داری در بحران را انجام داد.

صدای انترناسیونالیستی

۲۶ اردیبهشت ۱۴۰۰

توضیحات:

[۱] مارکس – خانواده مقدس

[۲] اظهار نظرهای تدارک قبل و بعد از اعلام لغو خصوصی سازی

[۳] تنها «کارگران ضد سرمایه داری» چنین جهت گیری داشتند و به نظر ما جهت گیری کلی آنها درست بوده است.

[۴] برای مطالعه یا دانلود مقاله به سایت صدای انترناسیونالیستی مراجعه کنید.

[۵] برای مطالعه یا دانلود مقاله به سایت صدای انترناسیونالیستی مراجعه کنید.